

وجهه اخلاقی صهیونیسم فروریخته است



میراحمد رضا مشرف پژوهشگر حوزه بین‌الملل

۱۰۰ روز از آغاز تهاجم همه‌جانبه و بی‌محابای رژیم صهیونیستی به باریکه غزه می‌گذرد و این رژیم به جز به تصویر کشیدن صحنه‌های تخریب هولناک منطقه غزه و آوارگی میلیونی مردم و کشتار ده‌ها غیر نظامی که شامل هزاران زن و کودک هم می‌شود، نتوانسته مدارک و شواهدی دیگری را برای پیروزی خود در این جنگ ارائه دهد. در واقع نه خبری از دستگیری رهبران برجسته حماس بوده، نه گروگانی آزاد شده و نه حتی به محل دستگیری آنها دسترسی فراهم شده است. پس از گذشت ۱۰۰ روز نه تنها هیچ چشم‌اندازی از پیروزی وجود ندارد، بلکه حتی برای زمان خاتمه این جنگ و شرایط پیش‌روی آینده هم هیچ تصویر روشنی قابل ترسیم نیست. اوضاع در داخل رژیم نیز به شدت آشفته است. با وجود اینکه پیش‌بینی می‌شد که پس از حملات مقاومت، جناح‌های مختلف سیاسی به شکلی یکپارچه و یکدست، صرفاً به دنبال نجات اسرائیل از این بحران عظیم باشند، اکنون و پس از ۱۰۰ روز نبرد دشوار، آشفتگی‌های سیاسی به مراتب بیش از روزهای اول جنگ شده و کابینه اضطراری بی‌بی به قول معروف به «تار مویی» بند است. با همه این اوضاع و احوالات، رویه‌رو شدن با شکایتی بین‌المللی که اتهام نسل‌کشی را در خود جای داده است، برای تل‌آویو نقل همان حکایت «قوز بالای قوز» است. این شکایت آنقدر رسواکننده، حساس و غیرقابل چشم‌پوشی بوده که برای اولین بار رژیم صهیونیستی را وادار ساخته تا برای پاسخگویی در برابر یک محاکمه بین‌المللی حاضر شود. اما ناگفته نماند که حتی همین حضور و پاسخگویی نیز در سایه برخی پوشش‌های سیاسی و نظامی انجام می‌گیرد؛ چنانکه بسیاری همزمانی و مقارنت حمله آمریکا و متحدانش به یمن را با شروع دادگاه بین‌المللی رژیم صهیونیستی کاملاً در ارتباط می‌دانند.

۱ بررسی محتوای شکایت آفریقای جنوبی از رژیم صهیونیستی

مدت‌هاست که موضوع حملات بی‌محابای رژیم صهیونیستی و اقدامات وحشتناکی این رژیم در برابر فلسطینی‌ها در کانون توجه جامعه جهانی قرار گرفته است، حتی پیش از اینکه این شکایت رسمی مطرح شود بسیاری از مقامات سیاسی در گوشه و کنار جهان و همچنین سازمان‌ها و حقوقدانان بین‌المللی نسبت به عملکرد اسرائیل در غزه هشدارهای متعددی داده بودند. در نهایت این دولت آفریقای جنوبی بود که در ۲۹ دسامبر سال گذشته میلادی (۸ دی ماه) شکایت مستقیم خود نسبت به اقدامات اسرائیل در غزه را به یکی از «عالی‌ترین» و «اصلی‌ترین» مراجع قضایی سازمان ملل متحد یعنی، «دیوان دادگستری بین‌المللی» (آی‌سی‌جی) مستقر در لاهه ارجاع داد. سیریل رامافوزا، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی در مورد انگیزه این شکایت می‌گوید: «مخالفت ما با کشتار مداوم مردم غزه، ما را به عنوان یک کشور متقاعد کرد تا به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کنیم.» شکایت دولت پرتوریا از رژیم صهیونیستی نیز شامل دو بخش می‌شود؛ نخست بررسی ادعای «نسل‌کشی» مردم غزه توسط اسرائیل بر مبنای «کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸ سازمان ملل متحد» و دوم صدور فرمان

برای توقف فوری عملیات نظامی اسرائیل در غزه. نمایندگان حقوقی دادگستری آفریقای جنوبی مستندات و ادله خود در مورد نقض کنوانسیون نسل‌کشی از سوی رژیم صهیونیستی را همراه با شکایت خود به دادگاه ارائه دادند؛ اما از آنجا که نسبت به تداوم اقدامات اسرائیل در غزه نگرانی‌های جدی وجود داشت، خواهان اظهارنظر موتی و سریع دادگاه برای توقف فوری عملیات اسرائیل در غزه شدند. دادگاه روزهای پنجشنبه و جمعه هفته گذشته را به این منظور تعیین کرد و جلسه استماع اظهارات دو طرف برگزار شد. انتظار می‌رود که دادگاه بین‌المللی در طی دو یا سه هفته آینده نظر خود را در مورد لزوم توقف جنگ اعلام کند اما اظهارنظر قطعی در مورد وقوع نسل‌کشی ممکن است چندین سال به طول بینجامد.

۲ کنوانسیون نسل‌کشی سازمان ملل چه می‌گوید؟

کنوانسیون نسل‌کشی که نام کامل آن «کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایات نسل‌کشی» است در سال ۱۹۴۸ میلادی و به اتفاق آراء در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید. اغلب کشورها آن را امضا کرده، به تصویب رسانده یا مورد پذیرش قرار داده‌اند. فلسفه ایجاد این کنوانسیون نیز به ماجرای هولوکاست و بحث‌های مرتبط با قتل عام یهودیان در جنگ جهانی دوم و همچنین به موضوع قتل عام ارمنه بازمی‌گردد. برای جلوگیری از وقوع مجدد چنین رخدادهایی در این کنوانسیون تعریف ویژه‌ای برای نسل‌کشی در نظر گرفته شد: «اقداماتی که به منظور نابود کردن کامل یا جزئی یک گروه «ملی»، «قومی»، «نژادی» یا «مذهبی»، از طریق به‌کارگیری روش‌هایی چون کشتن، آسیب جدی جسمی و روانی بر گروه هدف یا ایجاد «شرایطی از زندگی» که با هدف نابودی کامل یا جزئی آنها انجام می‌گیرد به عنوان نسل‌کشی تعریف شده است. «این کنوانسیون به کشورهای عضو این حق را داده است که برای جلوگیری از وقوع یک نسل‌کشی یا توقف آن از کشور یا کشورهایی دیگر به دیوان بین‌المللی شکایت کنند؛ یعنی همان اقدامی که اکنون آفریقای جنوبی علیه اسرائیل انجام داده است. اما نکته مهم این است که با وجود پذیرش کنوانسیون نسل‌کشی از سوی اکثریت کشورها، دستورات و احکام دیوان بین‌المللی در این زمینه فاقد ضمانت اجرایی است و کشورها می‌توانند از اجرای آنها خودداری کنند؛ آن‌هم بدون اینکه با تبعات جدی در این زمینه مواجه شوند.

۳ ادله و مستندات ارتکاب نسل‌کشی توسط رژیم صهیونیستی

آفریقای جنوبی در پرونده شکایت خود علیه رژیم صهیونیستی بر چند مورد اتکا کرده است؛ نخست اینکه عملکرد حماس یا حمله آن به اسرائیل به هر شکلی که انجام شده باشد به هیچ‌عنوان اقدامات کنونی اسرائیل در مجازات دسته‌جمعی شهروندان غیر نظامی را توجیه نمی‌کند. وزیر دادگستری آفریقای جنوبی در این زمینه می‌گوید: «هیچ حمله مسلحانه‌ای به قلمرو یک کشور، هرچند بزرگ و جدی باشد... نمی‌تواند نقض کنوانسیون را توجیه کند.» بنابراین اقداماتی همچون محرومیت عمدی مردم غزه از دسترسی به منابع حیاتی چون سوخت، دارو، غذا و آب آشامیدنی برابر با اقدام به نسل‌کشی است. اظهارات نظامیان و مقامات سیاسی رژیم صهیونیستی در مورد مردم غزه یکی دیگر از نکاتی است که در این شکایت مورد توجه قرار گرفته است. آفریقای جنوبی در این دادگاه مدعی شده که نقشه نابودی غزه از سوی ارشدترین مقامات

دولت اسرائیل صادر شده است. «آنها در این زمینه مستنداتی از اظهارات و مصاحبه‌های رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و دیگر مقامات رژیم صهیونیستی را به دادگاه ارائه داده‌اند. «پورتوینو» در این زمینه به نقل از یک مدیران حقوق بین‌المللی می‌گوید: «پرونده شکایت آفریقای جنوبی ادعا می‌کند که «قصده نسل‌کشی حتمی» که یک شاخصه بسیار به‌خصوص برای اثبات حمایت از نسل‌کشی محسوب می‌شود، با الگوی رفتاری ارتش اسرائیل و همچنین بیانیه‌های عمومی برخی نمایندگان و مقامات اسرائیلی مطابقت دارد.» اما جدا از اقدامات آفریقای جنوبی پیش از این هم ادله‌هایی در اثبات اقدام اسرائیل به نسل‌کشی مطرح شده بود. در شکایتی که از سوی چند شخصیت حقیقی و حقوقی فلسطین با عنوان «شراکت در نسل‌کشی» از بایدن رئیس‌جمهور به دیوان عالی آمریکا ارجاع داده شده است، ادله و مستنداتی درخور توجهی ارائه شد. در این راستا ویلیام شاباش از متخصصان برجسته حقوق بشر در حوزه نسل‌کشی ویژگی‌های اظهارات دولت اسرائیل، حملات مرگبار و محاصره کامل را نشانه‌هایی از نسل‌کشی معرفی می‌کند. جان کاکس، ویکتوریا سنسورد و بری تراختنبرگ سه اندیشمند برجسته دیگری در حوزه مطالعات نسل‌کشی و هولوکاست هستند که در همین شکوایه اقدامات رهبران اسرائیلی را با دیگر نسل‌کشی‌های تاریخ معاصر قابل قیاس می‌دانند. به‌کارگیری تعبیری همچون حیوانات انسان‌نما که مستحق حمایت‌های بشری نیستند از سوی ارتش رژیم صهیونیستی نیز نشان می‌دهد تأکید بر آسیب عمومی قرار دارد و نه دقت مورد ادعای اسرائیل و در نهایت باید به اظهارات اخیر یکی از وزرای کابینه نتانیاهو در مورد کوچ دسته‌جمعی مردم غزه اشاره کرد که با واکنش بسیاری از جمله متحدان نزدیک این رژیم مواجه شد.

۴ توجیهات رژیم صهیونیستی در رد ادعای نسل‌کشی

اسرائیل اگر چه رسماً به عضویت دیوان بین‌المللی در نیامده یا کنوانسیون را مورد تصویب رسمی قرار نداده است اما با توجه به عضویت آن در سازمان ملل به نوعی به‌طور خودکار کنوانسیون را پذیرفته است؛ به‌خصوص با توجه به ماهیت تشکیل آن که با هولوکاست مرتبط است. شاید به همین دلیل است که پس از شکایت آفریقای جنوبی به دیوان بین‌المللی رژیم صهیونیستی برای اولین بار حاضر شد تا در برابر یک دادگاه بین‌المللی قرار گرفته و به دفاع از خود بپردازد این درحالی است که پیش از آن به‌طور معمول از پذیرش درخواست‌ها و احکام دادگاه‌های بین‌المللی سر باز زده و آنها را به حمایت یکجانبه از فلسطینی‌ها می‌انگیزد. اما توجیهات و استدلال‌های رژیم صهیونیستی برای میرا دانستن خود از اتهام نسل‌کشی بر چند محور متمرکز شده است. نخست حمله به دولت طرح‌کننده، یعنی آفریقای جنوبی و ایراد اتهاماتی در مورد ارتباط این کشور با حماس و دیگر گروه‌های فلسطینی. دوم تأکید بر این موضوع که حماس شروع‌کننده حمله بوده و اسرائیل صرفاً در حال دفاع از خود است و البته در این بین کوشش زیادی به خرج می‌دهد تا در شرایط پیچیده نظامی از وارد آمدن تلفات به غیرنظامیان جلوگیری کند. علاوه بر این بر اعلام تروزیستی بودن حماس از سوی برخی کشورها همچون آمریکا و انگلیس تمرکز زیادی نشان می‌دهد و آن را توجیهی برای اقدامات کوبنده خود در غزه می‌داند. قیاس این پرونده با موضوع «افتزای خون» که مورد دیگر از دفاعیات جالب رژیم صهیونیستی است. در واقع تل‌آویو مصمم است که این پرونده را با اتکا بر مقایسه آن با افتزای خون به چالش بکشد. «افتزای خون» واژه‌ای است که در دایره‌المعارف هولوکاست به کار گرفته شده و ادعاهایی را توصیف می‌کند که زمانی نازی‌ها به یهودیان نسبت می‌دادند؛ بدین اوصاف که یهودیان از خون کودکان غیریهودی و معمولاً مسیحی برای اهداف آیینی خود استفاده می‌کردند. بنابراین توصیف دانه‌المعارف هولوکاست، نازی‌های آلمان از افتزای خون برای شیطانی جلوه دادن یهودیان استفاده زیادی می‌کردند. «اسرائیل از یادآوری پرونده افتزای خون دو هدف را دنبال می‌کند؛ اول اینکه ادعاهای آفریقای جنوبی و دیگران در مورد نسل‌کشی از جانب اسرائیل را مانند توصیفات دانه‌المعارف هولوکاست از افتزای خون، پوچ و بی‌ارزش اعلام کند و دوم یکبار دیگر رنج‌های یهودیان در دوره جنگ جهانی دوم را به رخ غربی‌ها کشیده و مسئولیت دائمی آنها در قبال اسرائیل را به آنها تذکر دهد.»

۵ حمایت قاطع جهان جنوب از پرونده نسل‌کشی رژیم صهیونیستی

حمایت وسیع بین‌المللی به ویژه در میان کشورهای حوزه جنوب جهانی از اقدام آفریقای جنوبی در کشودن پرونده نسل‌کشی برای رژیم صهیونیستی،

یکی دیگر از دلایل مهمی است که تل‌آویو را به جنب و جوش واداشته و او را وادار به واکنشی متفاوت نسبت به این پرونده کرده است. بررسی مجموعه کشورهایی که از این اقدام آفریقای جنوبی اعلام حمایت کرده‌اند، گستردگی طیف مخالفان اقدامات اسرائیل را به خوبی آشکار می‌کند. مجموعه کشورهای سازمان همکاری اسلامی (بیش از ۵۰ کشور)، اتحادیه عرب (۲۲ کشور عضو)، اتحادیه آفریقا و مجموعه‌ای از کشورهای آمریکای جنوبی مانند برزیل، کلمبیا، نیکاراگوئه و ونزوئلا؛ همگی در طیف موافقان و حامیان آفریقای جنوبی و معتقدان به نسل‌کشی اسرائیل در غزه قرار می‌گیرند. غیبت کشورهای اروپایی (به جز ترکیه)، آمریکا و در مجموع بلوک غرب یا آنچه که به جهان شمال موسوم شده در میان این اسامی پیام رسایی دارد که پیش از این در پرونده جنگ اوکراین هم به گوش رسیده بود. اختلاف نظر میان جهان شمال و جهان جنوب بر سر مسائل مختلف روزه‌روز در حال تشدید است و مساله فلسطین یکی از همان موارد است. کشورهای جنوب در صدد حمایت از فلسطین و غزه برآمده‌اند؛ چراکه از تبعیض‌ها و معیارهای دوگانه جهان غرب به ستوه آمده‌اند. آنها مدام از خود می‌پرسند که چطور اقدامات روسیه در اوکراین از دید جهان غرب جنایت جنگی و نسل‌کشی محسوب می‌شود ولی شنیع‌ترین اقدامات اسرائیل در غزه دفاع از خود تلقی می‌گردد.

۶ حمایت سازمان‌های بین‌المللی

شاید در دوران معاصر کمتر پیش آمده باشد که دیدگاه سازمان ملل در رابطه با رخدادی مرتبط با اسرائیل به این شفافیت باشد. از زمان حمله رژیم صهیونیستی به غزه و پس از شیوه‌های جنگی به‌کار گرفته شده از سوی این رژیم در حمله به بیمارستان‌ها، مدارس، اماکن غیرنظامی و آوارگی میلیونی نفر، تقریباً روزی نبوده است که یکی از شخصیت‌های حقیقی یا نهاد‌های حقوقی سازمان ملل در مورد اوضاع غزه هشدار ندند. انتقادات دینرکل سازمان ملل به حدی تند و صریح بود که اسرائیل را بارها به واکنش واداشت. رژیم صهیونیستی برای نشان دادن اعتراض خود به مواضع سازمان ملل حتی به حربه‌هایی همچون عدم تمدید ویزای اقامتی برخی کارکنان سازمان ملل هم متوسل شد. کار تا بدان جا بالا گرفت که مدیر کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل در اعتراض به تداوم عملیات اسرائیل در غزه استعفا داد، اعمال این رژیم را نسل‌کشی آشکار خواند و از جامعه بین‌المللی در ناکامی برای توقف این رژیم انتقاد کرد. در موردی دیگر ۱۸ کارشناس سازمان ملل در بیانیه‌ای به صراحت اقدامات اسرائیل علیه فلسطینیان غزه را مصداق نسل‌کشی و بیانگر قصد آشکار اسرائیل برای نابودی کامل و محو غزه دانستند. در آخرین رخداد از این دست مارتین گریفیتس، مسئول امداد‌رسانی سازمان ملل اظهارات اخیر وزیران اسرائیلی را برنامه‌ریزی این رژیم برای انتقال دسته‌جمعی غیرنظامیان فلسطینی به خارج از سرزمین غزه توصیف کرد.

۷ تزلزل در اردوگاه حامیان سنتی رژیم صهیونیستی

تشکیل پرونده نسل‌کشی علیه رژیم صهیونیستی با عکس‌العمل متفاوتی از سوی متحدان سنتی این رژیم یعنی آمریکا و انگلیس مواجه شد. در آمریکا کاخ سفید به مانند قطعه‌نامه شورای امنیت، قاطعانه پشت سر اسرائیل ایستاد و جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا اعلام کرد که ایالات متحده هیچ مبنایی برای ادعاهای آفریقای جنوبی در مورد کشتار غیرنظامیان در غزه ندیده و این اتهامات را بی‌اساس می‌داند. متیو میلر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز به صراحت تأکید کرد ایالات متحده نشانه‌ای بر وقوع نسل‌کشی در غزه توسط اسرائیل نمی‌بیند. جناح جمهوری خواه هم کوشید تا در حمایت از اسرائیل چیزی از دموکرات‌ها کم نیآورد. بر همین اساس مایک پنس، معاون رئیس‌جمهور سابق آمریکا در واکنش به اتهام نسل‌کشی به اسرائیل گفت: «به نظر می‌رسد جامعه جهانی همیشه راهی برای انتقاد از اسرائیل پیدا می‌کند، به ویژه در محافل مانند سازمان ملل، با این حال روشن بود که در پس پرده این حمایت‌های علنی و بی‌قیدوشرط، نگرانی‌های مفروضی موج می‌زند. سفرهای شتابزده وزیر خارجه آمریکا به اسرائیل و کشورهای منطقه کاملاً گویای همین امر است که کاخ سفید دلپایسی‌های بیشمار می‌دارد. تخریب شدیدی که حمایت از اسرائیل به وجهه آمریکا در سطح جهانی وارد کرده است، درپیش بودن انتخابات ریاست جمهوری و افق شدید محبوبیت بایدن در میان رای‌دهندگان و به ویژه مسلمانان آمریکا (هشدار ۱۷ تن از اعضای ستاد انتخاباتی بایدن به او در مورد پشت کردن حامیان حزب دموکرات) و در نهایت استعفا افرادی از دولت همچون طارق حبش با این استدلال که نمی‌توانند عضو دولتی باشند که حامی نسل‌کشی اسرائیل است، تنها

بخشی از دلپایسی‌های کاخ سفید را شامل می‌شود. حالا اگر به این موارد درخواست‌هایی همچون محاکمه بایدن به جرم مشارکت در نسل‌کشی و در کنار آن تقاضای برنی سندرز، سناتور دموکرات در مورد حسابرسی از وزارت خارجه و ارائه آمار دقیق کمک‌های تسلیحاتی به اسرائیل بعد از حمله هفتم اکتبر را بیفزاییم، به درستی متوجه منجلاهی که کاخ سفید به واسطه اسرائیل در آن گرفتار شده خواهیم شد.

اما برخلاف واشنگتن که علی‌الظاهر قاطعانه به حمایت خود از تل‌آویو پایبند باقی ماند، لندن واکنشی کاملاً محتاطانه نسبت به این پرونده نسل‌کشی از خود نشان داد. دیوید کامرون، وزیر خارجه انگلیس در جمع نمایندگان پارلمان انگلیس گفت که نگران این است اسرائیل اقداماتی در غزه انجام داده باشد که ممکن است ناقض قوانین بین‌المللی محسوب شود. پاسخ وی به سوالات نمایندگان پارلمان نشان داد که وی نسبت به نتیجه دادگاه برای اسرائیل به هیچ‌وجه خوشبین نیست. در واقع همین تردید باعث شد تا جرمی کوربین، رهبر پیشین حزب کارگر از دولت بریتانیا بخواهد تا اقدام آفریقای جنوبی در کشودن پرونده علیه اسرائیل با موضوع نسل‌کشی را مورد حمایت قرار دهد: «بسیاری از مردم خوشحالند که دولت آفریقای جنوبی ابتکار عمل را برای ارجاع پرونده نسل‌کشی به دیوان بین‌المللی در دست گرفته تا اسرائیل به عنوان مسئول مرگ بسیاری از مردم کاملاً بی‌گناه غزه محکوم شود. آیا دولت نمی‌تواند این مساله را درک کند و حداقل از روند درپیش گرفته شده توسط آفریقای جنوبی حمایت کند؟»

۸ سرگیجه از نوع اروپایی

از زمانی که موضوع شکایت آفریقای جنوبی از نسل‌کشی توسط اسرائیل مطرح شده، اتحادیه اروپایی تقریباً در این مورد سیاست سکوت را در پیش گرفته است. عدم انسجام مواضع و دیدگاه‌های ۲۷ عضو این اتحادیه بر سر این موضوع عامل اصلی این سکوت محسوب می‌شود. اتحادیه اروپا در رابطه با اسرائیل به چند دسته تقسیم شده است. نخست کشورهایی مانند آلمان، اتریش، جمهوری چک و به ویژه مجارستان که همچنان بر حمایت از اسرائیل پافشاری داشته و نسبت به پرونده نسل‌کشی ابراز تردید کرده‌اند. معاون صدراعظم آلمان در این زمینه معتقد است که می‌توان ارتش اسرائیل را به خاطر رفتار بسیار خشن در نوار غزه مورد انتقاد قرار داد اما این نسل‌کشی محسوب نمی‌شود. دولت مجارستان را از این فراتر گذاشته و اقدام آفریقای جنوبی را یک حمله قضایی به رژیم صهیونیستی توصیف کرده است اما برخی کشورهای اتحادیه با احتیاط بیشتری با این موضوع برخورد کرده‌اند. فرانسه اعلام کرده که از رای دادگاه بین‌المللی تبعیت خواهد کرد. در اسپانیا ۲۵۰ کارشناس حقوقی طوماری را برای حمایت دولت از این پرونده ارائه کردند که دولت از هرگونه اظهارنظری خودداری کرد. دولت بلژیک نیز برای بررسی جنایات جنگی احتمالی در درگیری بین اسرائیل و حماس مبلغی در حدود ۵۰ میلیون یورو به دیوان بین‌المللی کفیزی (آی‌سی‌سی) برای کمک تعهد داده است.

۹ پیامدهای پرونده نسل‌کشی برای رژیم صهیونیستی

همان‌طور که پیش از این گفته شد، تصمیمات دیوان بین‌المللی فاقد هرگونه ضمانت اجرایی است و رژیم صهیونیستی حتی در صورت محکومیت، به‌راحتی می‌تواند از اجرای احکام آن شانه خالی کند. کما اینکه پیش از این از اجرای بسیاری از احکام بین‌المللی شانه خالی کرده است. اما این پرونده برای رژیم از برخی جهات که بسیار مهم هستند با موارد پیشین تفاوت دارد. اولاً این موضوع با بحث نسل‌کشی در ارتباط است، موضوعی که با ماهیت و بنیان شکل‌گیری اسرائیل درهم آمیخته است. محکوم شدن رژیم صهیونیستی به نسل‌کشی، آن هم درحالی که همواره خود را قربانی آن دانسته، صدمه جبران‌ناپذیری بر حیثیت و اعتبار آن وارد می‌کند. دوم اینکه رای احتمالی دادگاه بین‌المللی برای توقف جنگ حتی به شکلی موت، شکستی بزرگ برای اسرائیل و شخص نتانیاهو محسوب می‌شود؛ چراکه جنگ بدون دستیابی به هرگونه نتیجه روشنی برای این رژیم خاتمه یافته است. در نهایت صدور حکم محکومیت اسرائیل بر افکار جهانی بسیار تأثیرگذار خواهد بود و به حامیان این رژیم فشار مضاعفی وارد می‌کند تا از دست پشتیبانی بدون قیدوشرط و کورکورانه آن بزدارند. فیلیپ دام از مدیران دیده‌بان حقوق بشر در این رابطه چنین می‌گوید: «پرونده دیوان بین‌المللی دادگستری فرصتی برای اتحادیه اروپاست تا دوباره پایبندی خود به «عدالت» و «پاسخگویی» را در زمینه غزه ثابت کند.»